

نگاهی به رمان «اتاق» اثر اما دون اهو

زندگی جریان دارد حتی در یک اتاق

و حس ناامنی را چنان در تاروپود روان‌شان پیروانند که حتی پس از رها شدن از آسیب نیز، نتوانند به راحتی از اثرات روانی آن دست بکشند و برایشان نمودهای بیرونی چون خودکشی و عدم پذیرش شرایط جدید، داشته باشد.

از سویی دیگر اتاق می‌تواند نمادی از زندگی بسیاری از انسان‌ها در محدودیت‌های غیرقابل کنترل باشد که گرچه رنج‌آفرین و طاقت‌فرسا است، اما می‌تواند در پی تجربه‌ای سخت، زمینه‌ساز رشد و تعالی توانمندی‌ها باشد.

در بخشی از متن این کتاب آمده است:

خیسی صورت مامان می‌ریزه روی صورت من. از جامی پریم. شورا است همان طور که گونه‌هایش را پاک می‌کند، می‌گوید:

«من خوبم، فقط، فقط کمی ترسیده‌ام.»

سرش داد می‌زنم نباید بررسی کار خوبی نیست.

- فقط به خورده، طوری نیست...

مامان می‌نشیند بالبه آستین بلوزش صورتش را پاک می‌کند.

شکمم غرغر می‌کند. نمی‌دانم زنده می‌مانیم یا نه. هوادوباره تاریک می‌شود. فکر نکنم نور برنده شود.

- گوش کن جک، لازمه یک قصه دیگه برات تعریف کنم.

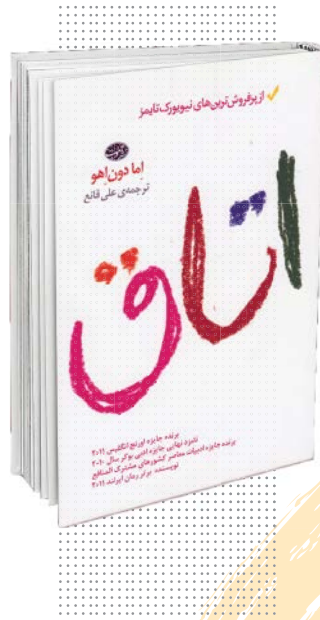
- به قصه واقعی؟

- کاملاً واقعی. می‌دونی از کی من ناراحت و غمگین شدم؟ ستیناً

- آره، بعدش من از بهشت پایین آمدم و توی شکمت رشد کردم...

بی‌خود نیست که کتاب اتاق از پرفروش‌ترین‌های نیویورک‌تایمز است و به چاپ بیست‌وسوم رسیده است؛ این کتاب برنده جایزه اورنج انگلیس ۲۰۱۱، نامزد نهایی جایزه ادبی بوکر سال ۲۰۱۰، برنده جایزه ادبیات معاصر کشورهای مشترک المنافع و نویسنده برتر رمان ایرلند ۲۰۱۱ شده است. گاردین درباره این کتاب می‌نویسد: «اتاق اما دون اهو» نه تنها قلب را به درد می‌آورد؛ بلکه روح را نیز به چالش می‌کشد.

طراحی جلد این کتاب نیز بسیار ساده و برگرفته از دست خطی کودکانه از کلمه اتاق است که در پس‌زمینه سفید، نمای بصری مناسبی را به مخاطب القا می‌کند. این کتاب ۳۵۷ صفحه دارد و نشر آموت آن را منتشر کرده است.



مادربودن و

محبوس شدن

در یک اتاق، برای

یک زن که جهان

پرهیاها را با

تنوع ارتباطات

تجربه کرده، آزاری

است از جنس

زندانی شدن

اما...

طیبه بیدخام

فعال

حوزه کتاب



اگر روح‌تان کمی گرد و خاک گرفته و دنبال یک فضای حال خوب‌کن ادبی هستید، رمان اتاق را از دست ندهید. جذابیت در موضوع، بیان دو جهان بینی از یک اتاق در نگاه یک کودک پنج ساله و یک مادر جوان، دلیل کافی است که کتاب را شروع کنید و وارد دنیای کودکانه شوید.

در اتاق ماندن خوب است یا نه؟ یک کودک این داستان را روایت می‌کند.

اتاق، برای کودکی که در آن متولد شده؛ جهانی رنگارنگ است، پر از اتفاق‌های خوب که وجود مادر، محدودیت‌هایش را به یک فرصت بی‌ظنیر تبدیل می‌کند، کاغذهای مجاله شده برای او تبدیل به یک توپ می‌شوند که می‌تواند رویاهایش را به سقف اتاق پرتاب کند، موش زیرگاز به عنوان یک موجود قابل ارتباط، دوست‌داشتنی می‌شود و تنهایی‌هایش را با او قسمت می‌کند.

اما مادربودن و محبوس شدن در یک اتاق، برای یک زن که جهان پرهیاها را با تنوع ارتباطات تجربه کرده، آزاری است از جنس زندانی شدن، اما نکته جالب اینجاست که با این شرایط، خانم نویسنده از مادری می‌نویسد که با همه این شرایط، حوصله بچه‌اش را دارد، با او حرف می‌زند، بازی می‌کند و دنیای کودکی‌اش را به رسمیت می‌شناسد.

درباره نوع نگارش این کتاب می‌توان گفت: کلمات در این کتاب طوری باهم جمع می‌شوند و جمله می‌سازند که انگار به جای خانم اما دون اهو، نویسنده ۴۲ ساله؛ یک کودک پنج ساله آن را نوشته و درعین جذابیت داستان، توانسته خیال مخاطب را راحت کند که اگرچه موضوع این داستان دردناک است، اما بیان کودکانه و لطیف، خواندن این کتاب را برای همه لذت‌بخش می‌کند و تجربه‌ای از خوردن، خوابیدن، کتاب خواندن، دستشویی رفتن، بازی کردن و به بیان کلی زیستن را به تصویر می‌کشد.

موضوعی که در مسیر روایت یک داستان می‌تواند برای زن و مرد تحصیل‌کرده، روشنفکر، معلم، نویسنده، خانه‌دار و... جهانشمول باشد و با او همذات‌پنداری کند.

همچنین هرچه از سادگی و روانی متن برایتان بگویم کم است، چراکه علاوه بر خانم نویسنده؛ علی قانع با ترجمه فاخر خود توانسته حق مطلب را ادا کند و ظرفیت یک اثر ادبی را با استفاده از معانی قابل لمس بالاتر ببرد.

رمان «اتاق» پنج فصل دارد، با عناوین هدایا، برلاشدن دروغ‌ها، مردن، بعد و زندگی کردن که با بیان جزئیات لحظه به لحظه، فضایی را می‌آفریند که به راحتی تورا در دل داستان فرو می‌برد و به دردها، رنگ و بوی انسانی می‌بخشد.

درباره محتوای این کتاب می‌توان گفت: رمان اتاق روح انسان را لطیف‌تر می‌کند و رنج‌های روان انسان را به نوع دیگری، بازپرو می‌کند.

فهم جهان محدود و نامحدود، امید به آزادی، تنهایی، مواجهه با خود و اجتماع، اصل پذیرش و نوآوری در زمان محدودیت و روابط انسانی از جمله موضوعاتی است که در این رمان به آن پرداخته شده است.

این کتاب به دو بخش در اتاق محبوس زندگی کردن و آزادی از اتاق تقسیم می‌شود که می‌تواند فضای متفاوتی را در ذهن مخاطب بیافریند.

همچنین در لفافه این رمان موضوعی اجتماعی را مطرح می‌کند و از آزارهای اجتماعی و جنسی اقشار آسیب‌پذیرتر جامعه همچون زنان و کودکان در جهان حرف می‌زند که به راحتی می‌تواند به بهترین سال‌های عمرشان چنگ بزند

رمانی به قلم کیوان ارزاقی

پرسه در سرزمین نوچ

حسن مجیدیان

نویسنده



رمان «سرزمین نوچ»، کتاب جالب و قابل اعتنائی است را جع به پدیده مهاجرت، حواشی، عوارض و فواید آن. خاصه که محل مورد نظر، ینگه دنیا یا همان آمریکای روایی باشد! زوج جوان این کتاب به نام‌های آرش و صنم برای زندگی بهتر، رفاه، آسایش، آرامش و... مهاجرت می‌کنند به آمریکا.

به ایالت دالاس.

با شوق و ذوق آنجا، جاگیر و مشغول کار و درآمد و دسترسی به رویاهایشان می‌شوند و با دوستان ایرانی بُر می‌خورند و حساسی شبیه آمریکایی‌جماعت می‌شوند. آنها دارند خوب و خوش در آن ایالت باصفا جا می‌افتند که آرش به ناگهان مرضی ناشناخته‌ای می‌گیرد.

این مرضی مرموز و رعب‌آور که او را تا مرز سکت و مرگ پیش می‌راند، عیش آرش و صنم را منغص می‌کند و آرش خان مجبور می‌شود برای مداوا برگردد ایران. صنم بانو که با کار و محیط انس گرفته و حساسی به خاک آمریکا چسبیده، با او همراهی نمی‌کند و آرش به تنهایی برای درمان می‌رود و پس از مداوا و کشف نام و نوع بیماری دوباره به آمریکا برمی‌گردد و این بار متوجه می‌شود که صنم...

سرزمین نوچ به قلم کیوان ارزاقی متن قابل توجهی است برای فهم پدیده مهاجرت. کتاب، داده‌ها و سوالات و دیالوگ‌های جان‌دار و نمک‌آلود و طعنه‌های بعضاً تند و تیز و نشانه‌هایی از بن‌بست‌ها و پوچی‌ها و دل‌تنگی‌های غربت را در خود به خوبی جا داده. کتاب اگرچه از تعلیق آنچنانی و هیجان فوق‌العاده، بی‌بهره و داستانش خطی و سرراست است اما آن قدر خوب بوده که جایزه ادبی جلال آل احمد را هم در یکی از سال‌ها برده است.

کتاب آدم را به فکر می‌اندازد که زندگی چیست؟ آرامش و آسایش کجاست؟ نیمچه فلسفه‌ای بر کتاب حاکم است که آن را خواندنی و دلپذیر کرده است. با همه این قوت‌ها و روانی متن، اما محافظه‌کاری بر بخشی از کتاب حاکم است. هرچند از زبان صنم گاهی تعریض و طعنه‌ای به وطن و شرایط آن به‌ویژه اوضاع اقتصادی نثار می‌شود اما جان مطلب و نیت اصلی مهاجرجماعت هم، مکشوف و معلوم نمی‌شود.

شاید هم، همین دست فرمان مکتوم کتاب بهتر باشد تا خواننده خودش به حکم برسد و به قضاوت بنشیند، خاصه که پایان کتاب و ختم ماجرای آرش و صنم را هم خواننده باید حدس بزند و هضم کند.

